

سرمایه‌ای به نام جوانی

جوانی، دوران سرنوشت‌سازی در تاریخ زندگی هر فرد و جامعه‌ای است؛ جوانان، پی و ستون اصلی هر جامعه‌ای هستند؛ آنان هستند که با تلاش خود، موتورهای پیشرفت و ترقی جوامع را روشن می‌کنند.

واژه‌ی «جوان» در لغت، تداعی‌کننده‌ی توانایی، بالندگی، اقتدار، شادابی، سلامتی، سرزندگی، حرکت، پویایی، خروش، جوشش، صداقت و احساسات است.

در مقام تشبیه و تمثیل، جوان یعنی رأس قله‌ی زندگی، گلستان و دوران شکوفه‌دهی زندگی جوان، یعنی رودخانه‌ی خروشان که در مسیر خود به هزاران صخره برمی‌خورد اما اشتیاق‌اش را برای پیوستن به دریا، از دست نمی‌دهد. جوانی، سبز شدن بذری است که در گذشته کاشته شده و حال، آماده است تا به درخت تنومندی تبدیل شود که همگان در زیر شاخه‌های سبزش، آرام گیرند. جوانی، اشتیاق یک پرنده به اوج‌گیری است. از دیدگاه جامعه‌شناسی، جوانی یعنی دوره‌ی سنی بین ۱۳ تا ۲۵ سالگی که همراه با شیوه‌ی رفتاری و نگرش خاصی است.

در تمامی جوامع، جوانی یک مفهوم ایده‌آل ارزشی است که هر شخصی در طول زندگی خود، این دوران را تجربه می‌کند.

جوانان از دیرباز مورد توجه جوامع بوده‌اند؛ به طوری که در دوران باستان، جوانان را یک نعمت الهی و فرصتی برای شکوفایی و خلق جامعه‌ی آرمانی خود می‌دانستند؛ به طور نمونه ساکنان اولیه‌ی سرزمین «مغولستان»، مردمانی بودند که به دلیل خاک نامناسب سرزمین‌شان، امکان زراعت و کشاورزی نداشتند و با کمبود غذا مواجه بودند اما بهترین و غنی‌ترین غذاها را به مردان جوان طایفه‌ی خود می‌دادند و افراد مسن، از باقیمانده‌ی غذاها استفاده می‌کردند چون جوانان، مسؤولیت حفاظت از قبیله را برعهده داشتند؛ پس به خواسته‌های آنان توجه می‌کردند تا وظایف

خود را به خوبی انجام دهند. حتی در برخی از قبایل، با فرارسیدن دوره‌ی «جوانی»، برای جوانان قبیله، جشنی برگزار می‌کردند تا به آنان یادآور شوند که از یک مرحله‌ی سنی، وارد مرحله‌ی سنی دیگری شده‌اند و باید مسؤولیت‌هایی را برعهده بگیرند؛ از جمله به کشاورزی و شکار بپردازند، خانه بسازند و تشکیل خانواده بدهند.

روان‌شناسان تربیتی، بر این عقیده‌اند که بیش‌تر موفقیت‌ها در دوران «جوانی»، یا تحقق می‌یابد و یا مقدمات تحقق آن فراهم می‌گردد زیرا دوران «جوانی»، دنیای فرصت‌ها، تعهد و تلاش متعهدانه و اوج توانمندی‌های انسانی است؛ فرصتی است برای تبدیل شدن جوان به یک انسان کامل و به قول «ویل دورانت» جوانی، دورانی است که هنوز حوادث تلخ و نابه‌سامان زندگی، آن‌را ناگوار ساخته و شور و شوق آن باشکوه است. به عقیده‌ی روان‌شناسان تربیتی، صفات نیک یا بدی که در دوران جوانی در نهادها پایه‌گذاری می‌شود، اثری مادام‌العمر دارد؛ پس باید برای جوانان برنامه‌ریزی کرد و مربیانی سر راه آنان قرار داد که بتوانند گروه مرجع مناسبی از شخصیت‌های مهم تاریخی، دینی و نوابغ را به جوانان معرفی کنند تا جوانان از آنان، همانندجویی نموده و سرمایه‌های خود را که توان، انرژی، قدرت و استعداد است، در راه آبادانی و پیشرفت کشور خود صرف کنند.

جامعه‌ی «ایران»، سرشار از سرمایه‌ای غنی به نام «جوان» است؛ در حال حاضر، ۶۵ درصد ساختار جمعیتی کشور، کم‌تر از ۳۰ سال سن دارند که در مقایسه با دیگر کشورها، «ایران» چهارمین کشور جوان دنیا محسوب می‌شود. باید توجه داشت برای پیشرفت و توسعه‌ی هر کشوری، به دو نوع کارخانه نیاز است: (۱) «کارخانه‌ی تولید کالا و خدمات» (۲) «کارخانه‌ی ساخت انسان و پرورش انسانیت»

به قول «کوان تسو»، برای پیشرفت یک‌ساله‌ی کشوری باید «غله» کاشت، برای پیشرفت ۱۰ ساله‌ی کشوری باید «درخت» کاشت و برای پیشرفت همیشگی کشوری باید «انسان» پروراند.



سارا پرواندهکردی

کارشناس علوم اجتماعی

Sara_pd21@yahoo.com